

نیست، ولی مدفن او در همان روستای ستره است (بحرانی، یوسف، *لؤلؤة، همانجا؛* بلادی، ۶۱).

تنها اثری که از بحرانی بر جا مانده، رساله کوتاهی در علم کلام به نام *رسالة العلم* است. این رساله شامل ۱۲ عنوان است که مؤلف در ۱۱ عنوان نخست به مبحث علم پرداخته، و بیشتر، آراء دیگران را تقریر کرده، و تنها در برخی موارد به شرح و نقد پرداخته، و در عنوان دوازدهم، ۲۴ مسأله را که مربوط به این بحث است، مطرح نموده، ولی آنها را بررسی نکرده است.

وی در ابتدا به مباحثی چون تابع معلوم بودن علم و تقسیم آن به فعلی و انفعالی، و نیز به فعلی بودن علم خداوند می‌پردازد (ص ۱۹-۲۰)؛ سپس آراء معتزله را درباره اینکه ثبوت از وجود عام‌تر است، رد می‌کند (ص ۲۱). در باب حقیقت علم، این مسأله را از مسائل بسیار مبهم و مشکل می‌داند و با بیان آراء دیگران شرح و نقدی بر پاره‌ای از نظرها می‌نویسد (ص ۲۳-۲۶). آنگاه درباره ادراک و اقسام آن، و نیز وجود ذهنی و علم خداوند بسیار مختصر نظر دیگران را بیان می‌کند (ص ۲۶-۲۷). در عنوان یازدهم نیز نظر آن دسته از متکلمان را که قائل به اضافه بودن علم هستند، نقد و رد می‌کند (ص ۲۹-۳۱).

پس از درگذشت بحرانی، شاگردش علی بن سلیمان بحرانی (هـ)، متکلم و فیلسوف امامی، *رسالة العلم* را که در واقع استاد برای وی تقریر کرده بود، نزد خواجه نصیرالدین طوسی می‌فرستد تا آن را شرح، و مسائلش را روشن کند. خواجه نیز مسائل را توضیح می‌دهد و ضمن شرح عناوین آن رساله، در برخی موارد به نقد و خرده‌گیری درباره آنها می‌پردازد (نصیرالدین، ۱۹ بی).

ماخذ: ابن ابی جمهور، محمد، *عوالی اللالی العزیزة*، به کوشش مجتبی عراقی، قم، ۱۴۰۳/ق ۱۹۸۳؛ افندی اصفهانی، عبدالله، *ریاض العلماء*، به کوشش محمود مرعشی و احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱؛ بحرانی، احمد، «رسالة العلم»، ضمن شرح *مسألة العلم* (نک: هم، نصیرالدین طوسی)، بحرانی، سلیمان، فهرست آل بابویه و علماء البحرین، به کوشش احمد حسینی و محمود مرعشی، قم، ۱۴۰۴؛ بحرانی، یوسف، *الکشتکول*، نجف، ۱۳۸۱/ق ۱۹۶۱؛ هم، *لؤلؤة البحرین*، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، نجف، مطبعة العمان؛ بلادی بحرانی، علی، *انوار البدرین*، به کوشش محمدعلی محمدرضا طبسی، نجف، ۱۳۷۷؛ ق: مینایی، محمدعلی، *تاریخ سقط و عمان*، بحرین و قطر، به کوشش احمد اقتداری، تهران، ۱۳۷۰؛ نصیرالدین طوسی، محمد، شرح *مسألة العلم*، به کوشش عبدالله نورانی، مشهد، ۱۳۸۵/ق ۱۳۴۵؛ یاقوت، بلدان.

علیرضا سیدتقی

پس از او اجازه روایت گرفت (ابن ابی جمهور، ۱۱-۱۲).

بحرانی، ابوالحسن جمال‌الدین (یا کمال‌الدین) علی بن سلیمان سترابی بحرانی، فیلسوف، متکلم و محدث شیعی سده ۷/ق ۱۳م. از سرگذشت وی آگاهی چندانی در دست نیست، اما از شهرتش پیداست که اصلاً اهل ستره بحرین بوده، و احتمالاً در همانجا به تحصیل دانش پرداخته است. مشهورترین استاد وی، دانشمند شیعی، ابوجعفر کمال‌الدین بحرانی (هـ)، مشهور به ابن سعاده است (بحرانی، سلیمان، ۶۸؛ بحرانی، یوسف، ۲۵۳، ۲۶۴-۲۶۵؛ افندی، ۱۰۲/۴) که ابوالحسن علی از او اجازه روایت گرفت (ابن ابی جمهور، ۱۱-۱۲).

پس از مرگ استاد، رساله او را که مشتمل بر ۲۴ مسأله در علم و صفات الهی بود، نزد خواجه نصیرالدین طوسی فرستاد و خواهان شرح و توضیح غوامض آن شد. نامه‌ای که وی در این باره به خواجه نوشت و پاسخ خواجه که مشتمل بر شرح آن رساله و نیز ستایش مراتب علمی بحرانی است، در دست است (نصیرالدین، ۱۷-۱۹، ۴۷؛ مدرسی، ۲۲۵؛ قمی، ۱۲۲). برخی گفته‌اند کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی محدث و متکلم مشهور شیعی و شاگرد ابوالحسن علی بحرانی، رساله مذکور را نزد خواجه فرستاده است که درست به نظر نمی‌رسد (مرکزی، ۳/۴-۲۵۶۱-۲۵۶۱؛ نورانی، ۱۶).

بحرانی به لحاظ علمی در میان دانشمندان پس از خود، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده، و از او با القابی چون دانای علوم معقول و منقول، عالم ربانی، متکلم و عارف حکیم یاد شده است (مجلسی، ۱۰۴/۶۵، ۱۰۶/۲۶؛ افندی، ۱۰۱/۴؛ آقابزرگ، طبقات، ۱۰۶؛ بلادی، ۶۱-۶۲). سیدحیدر آملی (ص ۴۹۸) او را عالمی می‌داند که مشرب عرفانی داشته، و در آثارش رویکرد عرفانی را از دیگر گرایشها برتر می‌شمرد.

علامه حلی از طریق فرزندش، حسین بن علی بحرانی، از او اجازه روایت گرفته است (مجلسی، ۱۰۴/۶۵)، اما گویا علامه از طریق ابن میثم شاگرد ابوالحسن علی بحرانی نیز از او اجازه روایت داشته است (ابن ابی جمهور، ۱۱-۱۲).

از سال درگذشت بحرانی اطلاعی در دست نیست. قبر وی در همان روستای ستره در جوار قبر استادش واقع است (بحرانی، یوسف، ۲۶۵؛ بلادی، ۶۱).

آثار:

۱. *الاشارات*، کتابی است در کلام و حکمت. آقابزرگ نسخه‌ای از آن را به خط حسین بن علی، فرزند بحرانی، در عراق دیده که عنوان کامل آن *اشارات الواصلین الی علوم العیان و تنبیهات اهل العیان من ارباب البیان* بوده است (الذریعة، ۹۸/۲). شاگرد وی، ابن میثم (هـ)، نیز شرحی بر این کتاب نوشته است (بحرانی، سلیمان، ۶۹؛ خوانساری، ۷/۲۱۹؛ آقابزرگ، همانجا).

۲. *سلامان و ايسال*، گزیده ترجمه عربی حنین بن اسحاق از متن یونانی این داستان است؛ اما در چاپی که از این کتاب در حاشیه شرح *الاشارات نصیرالدین طوسی* (ج ۱۳۰۵ ش) صورت گرفته، نامی از بحرانی دیده نمی‌شود (مرکزی، ۳/۱-۲۶۰).

۳. *مفتاح الخیر*، که شرح مقدمه *رسالة الطیر* ابن سیناست (مجلسی، ۱۰۶/۲۶؛ آقابزرگ، همان، ۳۲۹/۲۱). آقابزرگ وجود نسخه‌ای از آن را در کتابخانه خوانساری در نجف گزارش کرده است (همانجا).

۴. *معراج السلامة و منهاج الکرامة*، درباره واجب الوجود که بحرانی در آن به شرح گفتاریکی از دانشمندان روزگار خویش در این باره پرداخته است (مرکزی، ۳/۱-۳۶۲). نسخه‌ای خطی از این اثر در

بحرانی، سید عبدالرضا بحرانی، احمد بن جعفر بحرانی، جمال‌الدین فسانی و جعفر بن کمال‌الدین بحرانی اشاره کرد (فیض، خوانساری، همانجاها؛ کشمیری، ۳۷؛ بلاذی، ۸۶). بحرانی امامت جمعه و نیز منصب قضای شیراز را عهده‌دار شد و تا پایان عمر در آنجا ماند (علی‌خان، همانجا؛ نیز نک: حرعاملی، ۲/۲۲۵-۲۲۶).

یوسف بحرانی او را محقق پُر دقت و ادیبی شاعر دانسته، اشاره می‌کند که وی سخنوری بلیغ بود (همانجا). علی‌خان مدنی او را در شعر بسیار توانا دانسته، به ذکر برخی از اشعار او پرداخته است (برای نمونه، نک: ص ۴۹۲-۴۹۶؛ نیز مجیبی، ۳۰۷/۳). وی با شاعر همعصر خود ابوالبحر خطی، ارتباطی نزدیک داشت و آن دو از شعر یکدیگر بهره‌مند می‌شدند (بحرانی، یوسف، ۱۳۶-۱۳۷؛ خوانساری، ۷۳/۶).

برخی از دیدگاه‌های فقهی و اصولی بحرانی همچون مبحث نذر، در مقایسه با نظرات فقهای بزرگی چون سیدمرتضی و ابن زهره، مورد توجه علما بوده است (همو، ۷۶/۶). از برخی نظرات فقهی وی می‌توان به اعتقاد او به وجوب نماز جمعه، اشاره کرد (افندی، ۵/۵). نکته قابل توجه آنکه در برخی از منابع فردی با نام ماجد بن علی بن مرتضی بحرانی را شخصی جدای از بحرانی تصور کرده‌اند که با توجه به مطابقت شرح حال این دو، اعم از سال وفات، مدفن و آثار، ظاهراً باید این پندار را مردود دانست (برای نمونه، نک: حرعاملی، همانجا؛ افندی، ۵/۵-۷). وی در شب ۲۱ رمضان ۱۰۲۸ ق/ ۲۲ اوت ۱۶۱۹ م درگذشت و در جوار امام‌زاده شاه‌چراغ به خاک سپرده شد (بلاذی، ۸۸؛ قس: بحرانی، یوسف، ۱۳۸).

آثار: ۱. الرسالة الیوسفیة، درباره اعتقادات شیعه و نیز احکام نماز (برای نسخ متعدد خطی، نک: مرعشی، ۲۳۳/۶؛ مرکزی، ۱۶/۴۵۰؛ آقابزرگ، ۲۵/۳۰۰-۳۰۱). این رساله را محمد اشرف، شاگرد شیخ‌بهای شرح کرده که نسخه‌ای از آن در کتابخانه گلیایگانی موجود است (استادی، ۳/۱۳۳)؛ ۲. رساله‌ای در مقدمه واجب (بحرانی، سلیمان، ۷۳)، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مرعشی یافت می‌شود (مرعشی، ۴/۳۱۹، ۷/۲۰۷؛ نیز آقابزرگ، ۲۱/۴۰۲)؛ ۳. مقاله فی العام المخصص، در اصول که آقابزرگ نسخه‌ای از آن را در سامرا نشان داده است (همانجا)؛ ۴. المقامات، که آقابزرگ دو نسخه از آن معرفی کرده است (۸/۲۲)؛ ۵. دیوان بزرگ شعر (نک: علی‌خان، همانجا)، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه حکیم در نجف برجای مانده است (مدنی، ۱۸۹/۱؛ نیز آلوارت، شم 8485(184 a)، 7958(6)؛ قصیده‌ای از او؛ برای دیگر آثار منتسب به وی، نک: افندی، ۵/۵؛ بلاذی، ۸۷).

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ استادی، رضا، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی آیت‌الله العظمی گلیایگانی، قم، ۱۴۰۲ ق؛ افندی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش احمد حسینی و محمود مرعشی، قم، ۱۳۶۱ ش؛ بحرانی، سلیمان، فهرست آل بابویه و علماء البحرين، به کوشش احمد حسینی و محمود مرعشی، قم، ۱۴۰۴ ق؛ بحرانی، یوسف، لؤلؤة البحرين، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۶ ق؛ بلاذی بحرانی، علی، انوار البدرین، قم، ۱۴۰۷ ق؛ حرعاملی، محمد، امل الآمل، به کوشش احمد حسینی، بغداد، ۱۳۸۵ ق؛ خوانساری، محمداقرا، روضات الجنات، قم،

کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (همان، ۳/۱۳۳-۳۶۳) و امین نیز نسخه‌ای از آن را در مجموعه‌ای در کتابخانه شیخ فضل‌الله نوری در تهران دیده است (۲۴۸/۸).

۵. النهج (المنهج) المستقیم علی طریقة الحکیم، که شرح قصیده عینیة ابن سیناست (مجلسی، همانجا؛ بلاذی، ۶۲؛ افندی، همانجا؛ آقابزرگ، همان، ۲۴/۴۲۴-۴۲۵). آقابزرگ نسخه‌هایی از این کتاب را دیده است (همانجا).

مآخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ هو، طبقات اعلام الشیعة، قرن ۷ ق، به کوشش علینقی منزوی، بیروت، ۱۹۷۲ م؛ آملی، حیدر، جامع الاسرار، به کوشش هانری کرین و عثمان اسماعیل جیحی، تهران، ۱۳۴۷ ش/ ۱۹۶۹ م؛ ابن ابی جمهور، محمد، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، به کوشش مجتبی عراقی، قم، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ افندی، عبدالله، ریاض العلماء، به کوشش محمود مرعشی و احمد حسینی، قم، ۱۴۰۱ ق؛ امین، محسن، اعیان الشیعة، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ بحرانی، سلیمان، فهرست آل بابویه و علماء البحرين، به کوشش احمد حسینی، قم، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م؛ بحرانی، یوسف، لؤلؤة البحرين، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، قم، مؤسسه آل البیت؛ بلاذی بحرانی، علی، انوار البدرین، قم، ۱۴۰۷ ق؛ خوانساری، محمداقرا، روضات الجنات، به کوشش اسدالله اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰ ق؛ قس، عباس، الکئی و الالقاب، تهران، ۱۳۹۷ ق؛ مجلسی، محمداقرا، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م؛ مدرسی، محمد، سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی، به انضمام بعضی از رسائل و مکاتبات وی، تهران، ۱۳۳۵ ش؛ مرکزی، خطی؛ نصیرالدین طوسی، محمد، شرح مسألة العلم، به کوشش عبدالله نورانی، مشهد، ۱۳۲۵ ش؛ نورانی، عبدالله، مقدمه بر شرح مسألة العلم (نک: هم، نصیرالدین طوسی).

علیرضا سیدتقوی

بَحرانی، ابوعلی جمال‌الدین ماجد بن هاشم بن علی حسینی (د ۱۰۲۸ ق/ ۱۶۱۹ م)، فقیه، محدث و شاعر شیعی.

وی در روستای جد حفص در منطقه بحرین زاده شد (بحرانی، یوسف، ۱۳۶) و در کودکی یک چشم خود را از دست داد (کشمیری، ۳۵). او در بحرین به تحصیل علوم دینی پرداخت (علی‌خان، ۴۹۲) و در تحصیل چنان جد و جهدی از خود نشان داد که برخی از منابع او را در مذاهب مختلف فقهی مجتهد دانسته‌اند (فسایی، ۱۱۵۱). گویا وی چندی نیز در اصفهان تحصیل کرده، و از جمله از شیخ‌بهای بهره برده است (نک: فیض، ۲۸/۱-۲۹؛ نیز بحرانی، یوسف، ۱۳۵-۱۳۶؛ آقابزرگ، ۱۲/۲۱۰، ۱۲/۶). از دیگر استادانی که به او اجازه داده‌اند، می‌توان به محمد بن احمد ابن خاتون (د ۱۰۳۸ ق/ ۱۶۲۹ م) اشاره کرد (خوانساری، ۷۵/۶).

بحرانی چندی امامت جمعه بحرین را عهده‌دار شد و به علاوه متولی منصب قضای آنجا گردید. او سپس راهی شیراز شد و آن شهر را که تا آن زمان کمتر مورد توجه طلاب علوم دینی بود، حوزه درس و بحث خویش قرار داد و به عنوان شیخ الاسلام شیراز شناخته شد (حرعاملی، ۲/۲۲۶؛ مجلسی، ۱۳۶/۸۰۶؛ علی‌خان، همانجا). جمعی از علما، از شاگردان وی به شمار می‌آیند که از آن جمله می‌توان به ملا محسن فیض کاشانی، محمد بن حسن بحرانی، محمد بن علی مقشعانی، زین‌الدین علی بن سلیمان بحرانی، احمد بن عبدالسلام